

نمایش شاد و موزیکال ماهی سیاه کوچولو به نویسندگی سید رضا موسوی و کارگردانی زهرا میزبایی به روی صحنه رفت.

این نمایش کودکانه از ۲۰ تیر ماه جاری تا ۵ مرداد ماه جاری در سالن استاد هودی میزبان علاقمندان بود.

همچنان که می دانیم، کودکان، بیشتر بازی های خود را با عروسک ها یا اسباب بازی هایی انجام می دهند، که کوچک شده واقعیت های بیرونی است. کودک در ذهن و گمان خودش دنیایی بزرگتر از آن چه ما بزرگترها با عقلانیت و واقع بینی داریم، روبروست؛ این گمان اگر تقویت و هدایت شود می تواند در پرورش استعدادهای نهفته و آشکار کودک مؤثر باشد و از او انسانی نخبه و موفق بسازد.
نمایش های عروسکی یکی از راه های این تقویت و هدایت است.

نمایش های عروسکی، می تواند بر تقویت تخیل و بن مایه های درونی کودکان در بازی های خودشان نیز تأثیر بگذارد. این ویژگی در زندگی آینده آن ها باعث خواهد شد تا بتوانند مسایل را بهتر و درست تر تجزیه و تحلیل کنند؛ زیرا توانسته اند یک هماهنگی درونی و بیرونی برای خود بوجود آورند.

ماهی سیاه کوچولو داستانی است که گاه در دوران کودکی خودمان نیز با آن رودررو شده ایم؛ برخوردهایی که می توانست ما را به انسانی شجاع، و در عین حال منطقی یا ترسو و درجا مانده بدل کند.

ماهی سیاه کوچولو در این نمایش از برکه ای کوچک، عزم سفری بلند تا دریا دارد. سفری که خطرات بسیار پیش روی او می گذارد و او با دانش به آن ها، پای در سفر می گذارد. او می خواهد راه و رسم زندگی را خویش بیاموزد، و با واقعیت ها روبرو شود. هرچند دیگران او را پند می دهند که چه خطرانی پیش رو است، اما او می خواهد به دریا برسد. دریا برای او بزرگ شدن و کمال است؛ همراه با ترسی که از پلیکان دارد؛ هرچند در میان راه خرچنگ، موجودی است که در دانش او راه ندارد.

ماهی سیاه کوچولو به دریا می رسد و در دریا همچنان به دنبال دریاست. شجاعت در تصمیم گیری و تصمیم سازی، در این نمایش برای کودکان نقطه قابل تأملی است که به وضوح دیده می شود.

هرچند از نقاط ضعف داستان می توان به عدم راهنما، یا توجیه ماهی برای سفر صرفاً از سر کنجکاوی و نه تحقیق و دانش اشاره کرد. چیزی که ممکن است کودکان را برای خوسته های نامعقول و نستنجیده ای که خواهد داشت، در مقابل خانواده قرار دهد. این در حالی است که کسی مهربان تر از پدر و مادر نیست؛ هر چند همه می دانیم گاه این دلسوزی پدر و مادرها از حد می گذرد و جلوی عبور فرد را برای تجربه در زندگی کردن خواهد گرفت. در این نمایش، مادر هرچند دلسوز و دگرگانی که با مادر هم صدا می شوند، تنها به نهادینه کردن ترس در کودک روی می آورند. اینجاست که کودک ممکن است با دیدن این نمایش و همزادپنداری با آن دیدگاه مادر و پدر را اشتباه بیندارد.

شاید برای نسل جوان دهه چهل و پنجاه و حتی شصت این داستان می‌توانست راه عبور و حرکتی نو باشد، آن چنان که آن جوانان با خانواده‌هایی بی سواد روبرو می شدند و حال آن که خود تحصیل کرده بودند و سبب شد تا حرکتی نو را بر خلاف نسل های پیشین انجام دهند. سواد آنان باعث شخصیت بالاتر آنان نسبت به نسل پدرها و مادرهایشان بود و شاید در ابتدا مخالفتی با آنان می شد، اما به دلیل همین سواد، مورد تأیید خانواده‌ها هم بودند. اما در نسلی که امروز کودک، نوجوان یا جوان هستند، قضیه کاملاً متفاوت است؛ چرا که با پدرها و مادرهایی روبرو هستیم که از یک سو مورد تأیید نسل پیشین خود بوده اند، و از سوی دیگر نسبت به فرزندان خود، هم سواد و هم تجربه بیشتری دارند. این اتفاق باعث برخورد نسلی شده است که خود را صاحب تجربه و دانش می داند و آن را بایستی به نسل پس از خود منتقل کند و نسلی که قرار است از تجربه و



بیوتوه: شهرستان سروآباد یکی از شهرستان های گردشگریپذیر استان کردستان است که دارای منطقه های بکر، طبیعی و دارای آداب و رسوم خاص و کهن است که چشم هربیننده ای را محو تماشای خلقت هستی می کند. یکی از روستاهای گردشگری شهرستان سروآباد روستای ژبوار است. ژبوار در زبان کردی به معنی زندگی است. این روستا شبیه اسمش زیبا و زنده است مردم آن را هزار ماسوله هم می نامند.

پیشینه

استان کردستان وسعتی به اندازه ۲ درصد کل ایران دارد. این استان در منطقه ای کوهستانی و در بین دشت ها و دره ها واقع شده است. مردم روستای ژبوار بر این باورند که این منطقه زمانی شهری مهم و مرکزی بوده است. به غیر معماری ویژه آن، چشمه های پرآب، مراسم پیرشالیار و تعداد سکنه آن نشان می‌دهد که در روزگاری دور(زمان ساسانیان) این شهر حالت خاص خود راه داشته است.

موقعیت جغرافیایی روستای ژبوار:

روستای ژبوار در منطقه هورامان استان کردستان شهرستان سروآباد در جنوب کوه‌های کوسالان و در کنار رودخانه سیروان و در همسایگی شمالی روستاهای بلبر و سلین واقع شده است. روستای ژبوار بین دره ای قرار دارد که باغها و جنگل‌های سرسبز بلوط حاشیهٔ آن را فراگرفته است.

آب و هوای ژبوار

روستای ژبوار به دلیل قرار گرفتن در منطقه ای کوهستانی زمستان‌هایی سرد و مشکل را پشت سر می گذارد. اکثر گردشگران ترجیح می‌دهند در بهار دلپذیر و فصل شکوفا شدن طبیعت به آن سفر کنند، بعضی دیگر فصل تابستان را انتخاب می‌کنند تا چند روزی به دور از گرمای شهرها روزگار سپری کنند. اما کوهنوردان زیادی پاییز و زمستان به روستای ژبوار و ارتفاعات اطراف آن می‌روند. روستای ژبوار در رتبه بندی میزان پاک بودن آب و هوای شهرها و روستاهای کشور رتبه سوم را کسب نموده است. احيانا یکی از علل اصلی آن صعب العبور بودن منطقه و تردد سخت خودروها است که باعث بکر ماندن ژبوار شده است.

بیوتوه: مسجد کبود(به ترکی آذربایجانی:کۆی مسجد) یا مسجد جهانشاه از مسجدهای تاریخی تبریز مربوط به زمان حکمرانی قراقویونلوها در قرن نهم هجری است.

مسجد کبود بر اساس کتیبهٔ سردر آن در سال ۸۴۵ هجری شمسی و در زمان سلطان جهانشاه مقتدرترین حکمران سلسله قراقویونلو و به فرمان دختر وی و سلطه خانم بنا شده است. پاسکال کوست در گذشته از این مسجد با اسم مسجد سنی و مسجدی که شیعیان تمولی به استفاده از آن ندارند یاد نموده است. کتیبه کاشی‌کاری سردر اصلی مسجد کبود به سال ۸۷۰قمری) نصب شده است. این کتیبه و دیگر کتیبه‌های سردر مسجد به خط نعمت الله البواب خوشنویس معروف سده نهم است و سرکاری و نظارت بر ساخت آن با عزالدین بن ملک قاپوچی بوده است. تنوع و ظرافت کاشی‌کاری و اقسام خطوط به کاررفته در آن و بالاخص به علت رنگ لاجوردی(آبی ایرانی) کاشی‌کاری های معرق آن باعث شده است که به « فیروزه اسلام» آوازه یابد. سبک معماری این بنا به

روزنه

● پنجشنبه ۱۰ مرداد ۱۳۹۸ ۲۹ ذی‌القعده ۱۴۴۰ Aug 1۰ 2019 سال بیست و چهارم شماره ۶۶۸۹ ●

نقد نمایش ماهی سیاه کوچولو اجرا شده در تالار هودی

به قلم مهدی اسدزاده



دانش نسل پیشین خود بهره ببرد؛ و این ها همه در کنار هم با عدم تجربه کردن و بایدها و نبایدهای محکم تر خانواده ها بر نسل پیش رو، درگیری بین نسلی را به ویژه در جوانان دهه هفتاد، هشتاد و نود و حتی پس از آن بیشتر خواهد کرد.

داستان این نمایش برداشتی آزاد از کتابی با همین عنوان نوشته صمد بهرنگی، نویسنده چپ گرا و مارکسیست دهه چهل است؛ که توانسته عنوان برترین کتاب سال ۱۳۲۷ را نیز از آن خود کند و به عنوان یکی از مانیفست های جریان چریک های فدایی خلق، راهی نو را پیش روی جریان مارکسیست انقلابی آن دوران قرار دهد.

در آن دوران همچنان که گفته شد نسل جوان باسواد رودررو با نسل پیشین بی سواد، قرار داشت که چیزی برای عرضه به نسل نو نداشت و این گونه داستان ها، نویدهنده دنیایی نو در پیش روی نسل جوان بود؛ و این مستلزم عبور نسل جوان از دوران پیش از خود و ایجاد ساختاری دیگر بود.

اما اکنون کودک، نوجوان و جوان در حالی بی سوادتر و بی تجربه تر از نسل پیشین است که نسل پیشین گفته های مهمی را برای آنان دارد و این گونه داستان ها، هرچند روزگاری در ادبیات ایران جایگاه ویژه و مؤثری داشتند، اما امروز نه تنها کارایی لازم را ندارند بلکه ممکن است باعث سردرگمی و مشکلات بسیاری برای نسل پیش رو باشند.

هم اکنون ما در جامعه ای زندگی می کنیم که چهل سال پیش، با انقلابی فراگیر، از دوران سنت گرایِ که شاه را سایه خدا می دانست، به دوران نویی وارد شد؛ دورانی که در آن سنت، مدرنیته و تلقیقی از این دو با دیدگاه های

گردشگری

معرفی روستای ژبوار؛ ماسوله کردستان



جاذبه های روستای ژبوار

بافت پلکانی، بناهای سنتی، تراکم باغ های انار، انگور و انجیر، وجود رودخانه سیروان، وجود دره دربند در وسط روستا، کوه معروف و بلند کوسالان در شمال روستا، پوشاک و لباس محلی اهالی، مهمان نوازی مردم

است. بخش جلویی صحنه که خالی از هر چیزی است و تنها در صحنه پنجم، از نظر عرضی در یک سوم سمت راست صحنه، قسمی در آن جا می گیرد.

بخش وسط، بخش اصلی نمایش است که بیشتر نمایش در آن اجرا می‌شود. سکویی که با پارچه آبی رنگی پوشیده است، بخش وسطی را از بخش میانی جدا می کند. همچنین پارچه آبی رنگی ویژه ای، که در نمایش به شکل های مختلفی در می آید تا داستان نمایش پیش رود، جدا کننده بخش میانی و بخش انتهایی است.

پارچه جداکننده بخش میانی و انتهایی، در هر صحنه به گونه ای در می آید و بازی در بخش انتهایی صحنه را شیوه ای نو می بخشد.

نور: صحنه از چیدمان سه تایی نور از بالا به شکلی ویژه بر صحنه می‌تابد. هر چند این گونه طراحی نور و نورپردازی، نشان از درایت نورپرداز و کارگردان دارد؛ اما پس افتادن چند ثانیه ای نور در برخی صحنه ها گاه خودش را به رخ می کشد که از نقاط ضعف نمایش به شمار می آید.

صدا: از ویژگی های این نمایش عروسکی، استفاده از صدای ضبط شده (پلی بک) است، که این امر باعث هماهنگی بیشتر آهنگ و صدا در نمایش شده است. در این گونه نمایش ها، همگام سازی بازی با صدای ضبط شده، کار را کمی دشوارتر از حالت عادی می کند. هر چند زنده بودن صدا نیز می‌تواند ارتباط دو سویه بیشتری ایجاد کند؛ استفاده کارگردان از این شیوه، برای کودکان اثربخشی ویژه خود را دارد و باعث درونی تر شدن و تمرکز بیشتر کودکان در این گونه نمایش ها می شود.

عروسک گردانان، هر چند همگام سازی مناسبی را در این نمایش با صدای ضبط شده داشتند، اما در نوع حرکات، کارگردان توانسته بود آن چنان که باید، بازی ویژه ای را به نمایش بگذارد. البته این نکته نیز نباید فراموش شود که کارگردان با خلاقیت خود، شیوه عروسک گردانی را از حالت خطی به حالت گردشی در آوانسن و حرکت در عمق صحنه تبدیل کرده است.

این حرکت چند بعدی در طول، عرض و گاه بلندی صحنه گبرایی بیشتر و عدم خستگی در زمان نمایش به همراه دارد. از سوی دیگر کارگردان در هیچ جای نمایش خود را در محدودیت قرار نمی‌دهد و گاه عروسک‌گردانان با لباس‌های متناسب سازی شده با چیدمان دیده می شوند و گاه از حرکات دست آن ها به صورت معمول بهره برده شده؛ این شیوه توانسته است نمایش را انسانی حیوانی کند تا فضای فانتزی بیشتر و جذاب تری ایجاد شود.

همزاد پنداری کودکان با این دست نمایش ها شاید به دلیل آن که در درون کودک واقعیت ها هنوز معنای مشخص و سنگینی نگرفته است، بیشتر خواهد بود.

استفاده از عروسک‌های کوچک میله‌ای(ماهی‌های فانتزی) و عروسک‌های تاپ تپیل (خرچنگ و مارمولک) در این نمایش، ذهن کودک را بیشتر تحریک می‌کند و باعث درونی تر شدن آن می‌شود. در این نمایش اما وجود عروسک تن پوش پلیکان، به متناسب سازی فانتزی حیوانات برای کودکان کمک بیشتر کرده بود. هر چند شاید انتظار می رفت که پلیکان نیز چون سایر حیوانات کوچک اندام درون نمایش، عروسک گردانی داشته باشد.

بازیگر: سید رضا موسوی **عروسک گردان:** رضا حیاتی، زهرا کرانی، مریم گل کار، فاطمه کرانی، ستاره دهقانی

صدا پیشه‌ها: مریم شاهی، رضا موسوی، ماهک قاسمی، آتوسا رزمجویی،

مهرداد سهامی، مریم زارع، شیما قانلی، نکیسا ادیب و فاطمه کرانی

موزیسین: رسول فهنذژ سعدی

آهنگساز: مهدی افشار

میکس: رضا متفکر

مدیر صحنه: ابوالفضل رحیمی

چکن حاوی ۲ بخش است که در بین یک دره قرار دارد، چکن وارینه بخش ابتدای چکن است که در کنار رودخانه سیروان قرار دارد که دارای باغ های انار، انگور و انجیر است و از طریق آب رودخانه باغات را آبیاری می کنند و برخی از ساکنان روستا در این منطقه زندگی می‌کنند و از طریق فروش محصولات باغی امرار معاش می کنند.

بخش دوم چکن مربوط به چکن سربنه(بالایی) است، که یکی از محلات روستا است، این بخش هم دارای باغات میوه است که با آب کانی سرچمه آبیاری می‌شود. روستای ژبوار دارای هفت محله معروف است که شامل او لاهو، کراباد، نصار، سرحوض، چکن، ملکوه و بنگا است که در بین این محلات اولاهو قدیمی ترین محله روستای ژبوار است که در دامنه شمالی روستا قرار دارد و خانه های آن بصورت پلکانی بر روی هم قرار گرفته اند، این محله در دامنه کوه دربند جای دارد.

باغ های ژبوار

باغ های بزرگ انجیر، انگور و انار در این روستا قرار دارند. از اصلی ترین محصولات ژبوار انار است و اغلب مردم آن با فروش محصولات درخت‌هایشان به خصوص انار زندگی خود را می گذرانند. در بین روستا، دره دربند واقع شده که قدیمی ترین محله محسوب می‌شود. لباس‌های رنگارنگ مردم محلی از دیگر جاذبیت های آن است. لباس مردم این روستا کردی است که مثل دیگر شهرهای ایران تا قبل از وارد شدن پارچه های خارجی به وسیله خودشان تهیه می‌شد.

راه ارتباطی روستای ژبوار:

روستای ژبوار از نظر راه‌های ارتباطی دارای جاده شوسه ماشین رو است و هر گردشگری جهت بازدید و دیدن منظره‌های طبیعی و معماری زیبای روستا می‌تواند به روستا سفر نماید. به دلیل مستقر شدن در فاصله بین شهرهای میروان و پایه وضعیت سفر به این روستا در این سال ها آسان‌تر انجام می‌شود. یعنی در روزهایی که قابلیت تردد از جاده اورامان تخت ممکن نباشد با فکر راحت (استفاده از خودرو شاسی بلند) می‌توان مسیر پایه را انتخاب کرده و به شهر دسترسی پیدا کرد.

سفر به ژبوار: بهترین راه برای رسیدن به ژبوار، سفر از ارومیه است. تا زمانی که جاده اورامان تخت ترافیک کمتری داشته باشد، سفر از ارومیه به ژبوار، تنها اثر برجای مانده از دوره ی فرمان‌روایی قراقویونلوها در پایتخت آنها یعنی تبریز است.

این مسجد آن قدر زیبا و جذاب است که با وجود همه ی صدماتی که در این مدت دیده ولی هنوز هم هنر دوستان را شگفت‌زده می‌کند. چیزی که این مسجد را تا این حد مشهور و زیبا کرده استفاده از کاشی های معرق و نقش و نگارهای پرچین‌پای است که در طراحی داخلی و خارجی آن بکار رفته و اثری مجزئه انگیز را خلق نموده است.

آشنایی با مسجد کبود تبریز یا فیروزهٔ اسلام

همتا از حیث معماری دنیا اسلام به دلیل ملحقات زیاد آن از قبیل کاخ مظفریه، خانقاه، صحن و عبادتگاه های درونی، کتاب خانه، قرائت خانه و حوضخانه آن است و همچنین مستقر شدن این مسجد در قلب شهر تبریز و در جوار جاده ابریشم بر مرکزیت و اهمیت آن افزوده است. متأسفانه درحال حاضر هیچ یک از این ملحقات برجای نمانده اند صرفاً قسمتی از مسجد که آن هم بسیار آسیب دیده بود، بازسازی شده است.

ویژگی منحصر به فرد مسجد کبود:

از خصوصیت های این مجموعه استفاده از عکس های رنگی بجای متن‌های طولانی است که در عین زیبایی بخشیدن به اثر، درک آن